

فصل پنجم

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اکو

مقدمه

شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای اکو وظیفه دارد هر ساله گزارش اقتصادی سالیانه، حاوی تجزیه و تحلیل جریان‌ات و روندهای اقتصادی منطقه اکو را تهیه نماید.

در اجرای این امر پنجمین اجلاس شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای اکو که در اسفند ماه ۱۳۷۳ در تهران برگزار شد به دبیرخانه مأموریت داد گزارشی جامع و مفید با استفاده از اطلاعات دریافتی از کشورهای عضو و همچنین منابع سازمان‌های ذیربط بین‌المللی در این زمینه تهیه نماید.

بدین منظور گزارشی با استفاده از منابع مختلف تهیه و به ششمین اجلاس شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای اکو در اسفند ماه ۱۳۷۴ ارائه گردید. نسخه تجدیدنظر شده این گزارش به هشتمین اجلاس شورای مذکور در فروردین سال ۱۳۷۷ ارائه شد.^۱

باتوجه به جدید بودن آمارها و مفید بودن مطالب، خلاصه‌ای از این گزارش همراه با برخی

۱. کلیه آمار و ارقام مورد استفاده در این فصل از گزارش سالانه اقتصادی اکو که توسط دبیرخانه سازمان تهیه می‌گردد استخراج شده است. جهت اطلاع بیشتر به منابع ذیل که در تهیه گزارش اقتصادی اکو از آنها استفاده شده است، رجوع کنید:

الف) گزارش‌های کشوری بانک جهانی

ب) کتاب آماری بانک جهانی درخصوص اقتصادهای در حال توسعه چاپ ۱۹۹۵

ج) کتابچه آمار آنگناد، ۱۹۹۵

د) گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵

ه) شاخص‌های اقتصادی OECD، ۱۹۹۴ در گزارش‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول

و) گزارش آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۹۹۲

ز) گزارش‌های دریافتی از وزارت‌خانه‌های اقتصادی و دارایی کشورهای عضو اکو

نظرات تکمیلی در این فصل از کتاب تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد تا تصویر بهتری از روند همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو اكو در ذهن ترسیم گردد.

۱. جمهوری آذربایجان^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۸۶/۶۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۷/۴۸۷ میلیون نفر (۱۹۹۴)
پول رایج:	منات
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۴۹۹۲ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۳)
میزان بدهی‌های خارجی:	۳۵ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۳)
نوع صادرات:	متنوع
محصولات اصلی کشاورزی:	حبوبات، دانه پنبه، انواع انگور، چای، مرکبات
منابع طبیعی عمده:	نفت خام، گاز، آب معدنی، سرب، روی، آهن، سنگ‌مس، موادشیمیایی، نمک و مصالح ساختمانی
صنایع اصلی:	استخراج و پالایش نفت و ساخت ماشین‌آلات اکتشاف و استخراج نفت

جشم‌انداز اقتصادی

آذربایجان از زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و منابع زیرزمینی بسیار غنی و گسترده‌ای از جمله نفت برخوردار است. در اقتصاد این کشور کشاورزی در مقایسه با صنعت در مقام دوم اهمیت قرار دارد. آذربایجان در زمینه صنایع غذایی، نفت و منسوجات و صنایع مکانیزه رشد خوبی

۱. جهت اطلاع بیشتر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان به کتاب سبز این کشور از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رجوع شود.

داشته است. این دو بخش مجموعاً حدود ۵۳ درصد از تولید و بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار این کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

با فروپاشی اتحاد شوروی و تضعیف روابط سنتی بین جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع، اقتصاد آذربایجان دچار تغییرات اساسی شد. دولت بلافاصله اولین قدم‌ها در جهت هدایت اقتصاد به سمت خصوصی سازی را برداشت. اما نقش تعیین‌کننده آن در زمینه‌های اقتصادی کماکان آشکار است. لیکن با تدوین قانون اساسی، عقاید جدیدی در خصوص اقتصاد بازار آزاد مطرح شده و پیشنهاد انتقال به اقتصاد بازار به تصویب رسیده است. همچنین دولت در برخی موارد یک برنامه بلندمدت را در خصوص بازسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری آغاز کرده است.

مخالفت‌های داخلی با امر توسعه در سال ۱۹۹۲ موجب بروز شکاف در روند تولید شد، بطوری که پیش‌بینی می‌شود حدود ۲۶ درصد آن، بدهی‌ها و عوارض ناشی از فروپاشی سیستم رهبری مرکزی بوده باشد. بروز درگیری و جنگ در قره‌باغ، زمستان سرد همراه با باران سنگین موجب اختلال در مناطقی گردید که روبل در آنها رایج بود. بازده واقعی در میان سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۹ به میزان نصف سقوط کرده است.

به عنوان نتیجه می‌توان گفت افزایش اعتبارات بودجه و دخالت دولت در اواخر سال ۱۹۹۳ باعث افزایش تورم گردیده است.

در سال ۱۹۹۲ موقعیت خارجی آذربایجان به دلیل افزایش تدریجی صادرات، گسترش بازارهای نقدی و تغییر قیمت‌های بازار جهانی تقویت گردید.

یک نگاه اولیه به تراز پرداخت‌های کشور نشان می‌دهد در طول ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۲ حدود ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا اضافه درآمد وجود داشته باشد. این شرایط در طول سال ۱۹۹۳ ادامه نیافت و آذربایجان دچار کسری معادل ۴ میلیارد دلار در تراز پرداخت‌های خود گردید.

آذربایجان از نظر منابع انرژی، بخصوص نفت و گاز طبیعی، کشور ثروتمندی است. منابع نفت قابل استحصال در میدان‌های ساحلی دریای خزر براساس آمار رسمی اعلام شده در حدود یک

میلیارد تن و منابع گاز ۵۰۰ میلیارد مترمکعب، می‌باشد. البته مصرف گاز داخلی این کشور ۱۶ تا ۱۷ میلیارد مترمکعب است که بخشی از آن از ترکمنستان وارد می‌شود.

در سال ۱۹۹۲ به منظور جبران مشکلات ناشی از کمبود پول نقد، آذربایجان منات را به‌عنوان پول رایج ملی خود در کنار روبل به‌گردش درآورد. در آن سال هر منات معادل ۱۰ روبل بود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی مبادلات تجاری آذربایجان با خارج از کشورهای مشترک‌المنافع افزایش یافت و از ۱۳ درصد مجموع مبادلات در سال ۱۹۹۱ به ۴۷ درصد در سپتامبر ۱۹۹۲ رسید. صادرات نفت در این میان بیشترین حجم مبادلات را داشته است. روند صادرات وسایل ساخته شده مانند دستگاه‌های تهویه مطبوع، یخچال و مواد خام بطور کلی از سمت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به سوی کشورهایی مانند ایران و ترکیه منحرف شده و صادرات الیاف پنبه و مواد شیمیایی نیز به سمت دیگر کشورها تغییر مسیر یافته‌است.

دولت تصمیم گرفته است به روند خصوصی‌سازی سرعت بخشد. هرچند یک قانون در مورد خصوصی‌سازی در سال ۱۹۹۳ گذرانده شده، اما تکمیل کردن این مسئله نیازمند برداشتن گام‌های تدریجی در درازمدت می‌باشد. انتظار می‌رود که به زودی یک برنامه خصوصی‌سازی جدید به همراه قانون درآمدها ارائه گردد.

پیوستن این کشور به سازمان همکاری اقتصادی اکو، راه را برای توسعه آذربایجان هموارتر کرده است. به دلیل نزدیکی جغرافیایی با ایران، بخش عمده‌ای از تولیدات صنعتی و مصرفی ایران، جای خالی کالاهای روسی را در این کشور گرفته است. در حال حاضر خطوط کشتیرانی و هواپیمایی ایران، میان پایتخت‌های دو کشور و برخی شهرهای داخلی در رفت و آمدند و همکاری دامنه‌داری میان مؤسسات ایران و آذربایجان بنیاد گذاشته شده و آینده روشنی را پیش روی دو کشور قراردادده است.

۲. جمهوری ازبکستان^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۲۳,۳۰۰,۰۰۰ نفر (۱۹۹۶)
پول رایج:	صوم
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۳۵۹/۵ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۶)
میزان بدهی های خارجی:	۷۳۹ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۶)
نوع صادرات:	صادرکننده کالاهای ساخته شده
محصولات اصلی کشاورزی:	پنبه، غلات، سبزیجات، میوه، پيله کرم ابریشم و تنباکو
منابع طبیعی عمده:	نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ، طلا، نقره، مس، سرب، روی، مولیبدنیوم و تنگستن.
صنایع اصلی:	صنایع کشاورزی، کودهای شیمیایی، ماشین آلات کشاورزی و نساجی، متالورژی، صنایع شیمیایی

چشم انداز اقتصادی

ازبکستان در منطقه‌ای به وسعت ۴۴۷,۴۰۰ کیلومتر مربع واقع شده است که تقریباً ۶۰ درصد آن مشتمل بر مناطق بیابانی، استپ و نیمه خشک بوده و ۶۲ درصد جمعیت ۲۳/۳ میلیون نفری آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند.

ازبکستان دارای منابع غنی طبیعی نظیر طلا، نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ، نقره و مس می‌باشد. تولید سالانه طلا به ۶۵ تن می‌رسد. در سال ۱۹۹۳ تولید گاز طبیعی در حدود ۴۵/۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده می‌شد که از این میزان تنها ۸ درصد به خارج صادر گردید. اگرچه این کشور

۱. جهت اطلاع بیشتر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جمهوری ازبکستان به کتاب سبز این کشور از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رجوع شود.

در حدود چهار میلیون تن نفت در سال ۱۹۹۳ تولید کرد اما میزان تولید این فرآورده در سال ۱۹۹۴ به دلیل توسعه منابع و حفر چاه‌های جدید نفتی بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

با این وجود، ازبکستان در حال حاضر با تنها ۸۶۰ دلار متوسط درآمد سرانه ملی طبق آمار سال ۱۹۹۲، یکی از فقیرترین کشورها در میان جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع محسوب می‌شود. تقریباً ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۹۳ به بخش کشاورزی، ۳۵ درصد به بخش صنایع و بقیه به بخش معادن، ساختمان و خدمات اختصاص داشته است. پنبه مهم‌ترین فرآورده کشاورزی این کشور است که ۴۰ درصد از ارزش ناخالص تولیدات کشاورزی را بالغ می‌گردد و سبزی و میوه از تولیدات اساسی می‌باشند. مواد اولیه فرآوری شده از محصولات کشاورزی، محور تولیدات صنعتی این کشور می‌باشد. در سال ۱۹۹۳، صادرات در حدود ۵۵ درصد و واردات در حدود ۶۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل گردیده است.

در این کشور یک نظام جامع حمایت اجتماعی و نیز نرخ بالای باسوادی از دوره سابق (نظام اتحاد شوروی) به ارث رسیده است.

ازبکستان دارای یک سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه یافته و مناسب با جغرافیای کشور است که شامل ۴۲ هزار کیلومتر جاده اصلی، ۹۰ هزار کیلومتر جاده‌های محلی و ۳۵۰۰ کیلومتر خط آهن می‌باشد.

با اینکه کاهش تولید محصولات در ازبکستان بسیار متعادل‌تر از سایر کشورهای CIS^۱ بوده، اما به خاطر حرکتی بسیار کند در گذار به سوی اقتصاد بازار، این کشور با وضعیت اقتصادی شکننده‌ای روبروست. تورم در این کشور در سال ۱۹۹۳ به دلیل آزادسازی بیشتر قیمت‌های انرژی، کاهش سوبسیدهای دولتی و نیز گسترش اعطای اعتبارات داخلی به شرکت‌ها، افزایش یافت. اخیراً با توجه به سیاست‌های پولی و اعتباری دولت، نرخ متوسط تورم در این کشور به ۶۰ درصد در سال رسیده است و دولت در صدد است با اتخاذ تدابیر مناسب نرخ تورم را در سال ۱۹۹۷ به ۲۹-۲۰ درصد کاهش دهد.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو او / ۱۰۱

ازبکستان دارای عدم موازنه قابل توجهی در بخش‌های عمده اقتصادی می‌باشد. به دلیل کاهش تولید محصولات و از دست دادن مقادیر متناهی کمک از اتحاد شوروی سابق، درآمدهای دولت بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و به ۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۹۹۲ رسید. در این سال، میزان کسری موازنه کشور در حدود ۲۴۰ میلیون دلار آمریکا یا ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی بود ولیکن در سال ۱۹۹۳ مجموع کسری موازنه کشور به ۳۷۰ میلیون دلار آمریکا افزایش یافت.

پس از شکست در حصول توافق با روسیه درخصوص منطقه جدید روبل، دولت ازبکستان در نوامبر ۱۹۹۳ اقدام به معرفی یک واحد پول جدید به صورت کوپن و بطور موقت نمود که باعث اختلال و عدم اطمینان قابل توجهی گردید.

درخصوص وضعیت کلی اقتصاد، با اینکه ازبکستان قیمت‌ها را تا حدودی آزاد ساخته، مالیات‌های جدیدی را به مردم تحمیل کرده، موقتاً تعرفه‌ها را حذف کرده، منازل مسکونی و فروشگاه‌های کوچک را به بخش خصوصی واگذار کرده و قوانین اولیه بانکداری، مالکیت و سرمایه‌گذاری خارجی را تدوین کرده، با این همه دولت کنترل اساسی خود را بر اغلب فعالیت‌های اقتصادی همچنان حفظ کرده است. البته در اواخر سال ۱۹۹۳ دولت با تشخیص نیاز به تسریع در اصلاحات اقتصادی، پاره‌ای تدابیر جهت اصلاحات اقتصادی گسترده را اتخاذ کرد. این تدابیر شامل موارد ذیل می‌باشند:

- تسریع در برنامه‌های خصوصی‌سازی و اصلاح شرکت‌ها

- تشویق فعالیت‌های تجاری مربوط به بخش خصوصی

- کاهش اتکا به سفارشات دولتی

- آزادسازی نرخ ارزهای خارجی

ازبکستان باید قادر باشد منابع ملی توسعه اقتصادی خود را در دراز مدت تأمین کند. با این حال واردات کالاهای سرمایه‌ای برای توسعه میادین نفتی و استمرار افزایش تولید منابع گاز طبیعی قابل صدور، اهمیت ویژه‌ای برای حفظ توازن پرداخت‌ها در دوره ۹۶-۱۹۹۴ داشته است.

تولید پنبه و ذخایر طلای ازبکستان می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت نقش بسیار مهمی را در اقتصاد این کشور بازی نماید. در صورتی که واردات خالص نفت با روند کنونی تا حد صفر کاهش یابد و درآمدهای ناشی از صدور گاز و طلا روبه ازدیاد نهند، موازنه تجاری به میزان قابل توجهی بهبود می‌یابد. در عین حال ازبکستان نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی بوده و چگونگی بازپرداخت این بدهی‌ها و انتقال منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرات خود را بر اقتصاد خواهند گذاشت.

۳. دولت اسلامی افغانستان

اطلاعات پایه

مساحت:	۶۵۲,۰۹۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۱۷,۶۹۱ هزار نفر (۱۹۹۳)
پول رایج:	افغانی
سطح درآمد:	پایین
میزان بدهی‌های خارجی:	به شدت بدهکار
نوع صادرات:	صادرکننده تولیدات اولیه غیرنفتی
محصولات اصلی کشاورزی:	حبوبات، برنج، میوه تازه و خشک شده، سبزیجات، پنبه و سیب‌زمینی
منابع طبیعی عمده:	گاز، ذغال سنگ، سنگ‌های تزئینی، سولفات باریم و نمک.
صنایع اصلی:	گاز طبیعی، فرش بافی، پارچه‌های کتان، و انواع کودها

چشم‌انداز اقتصادی

به دلیل شرایط حاکم در افغانستان، هیچ‌گونه اطلاعات واقعی و جاری از وضعیت کلی اقتصاد این کشور در منابع اصلی وجود ندارد. ولی آنچه مسلم است ادامه جنگ داخلی کلیه زیرساخت‌های اقتصادی در افغانستان را از بین برده و آینده این کشور را دچار ابهام بیشتری نموده است.

علی‌رغم آنکه افغانستان پس از فروپاشی نظام کمونیستی، تاکنون روی آرامش ندیده و فرصت آن را نیافته است که برای آینده اقتصاد خود تدبیری بیاندیشد، اما با حضور خود در جمع اعضای اکو می‌تواند دامنه فعالیت‌های اکو را در شبه قاره هند گسترش بدهد و راههای ارتباطی میان کشورهای اکو را از مسیرهای مستقیم کوتاه‌تری به هم ببیوندد.

تا پیش از پایان درگیری‌های داخلی این کشور نمی‌توان انتظار داشت که اکو بتواند تأثیر مهمی در اقتصاد آن کشور داشته باشد. ضمن اینکه خود افغانستان نیز نمی‌تواند از موقعیت‌هایی که ۹ عضو دیگر در اختیارش قرار می‌دهند، استفاده لازم را ببرد.

افغانستان موقعیت خوبی از نظر دسترسی به امکانات اقتصادی بیشتر داشته و می‌تواند از نظر مواد غذایی خودکفا باشد، حتی در صورت صلح و آرامش می‌تواند بخشی از نیازهای سایر کشورهای عضو را نیز جبران کند. افغانستان پس از جنگ ۱۴ ساله، اکنون به یکی از فقیرترین کشورهای جهان تبدیل شده و اکو برای رهایی این کشور از وضعیت موجود در اندیشه تخصیص اولویت بیشتری در سرمایه‌گذاری‌های مشترک خویش است. اما شرط اول برای استفاده از این امکانات، بازگشت آرامش به این کشور می‌باشد.^۱

۴. جمهوری اسلامی ایران^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۱,۶۴۸,۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۶۰/۱ میلیون نفر (۱۹۹۳)
پول رایج:	ریال
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۷۶,۵۵۰ میلیون دلار آمریکا
میزان بدهی های خارجی:	۲۲,۶۹۳ میلیون دلار آمریکا (۹۵-۱۹۹۴)
نوع صادرات:	صادرکننده عمده نفت و برخی کالاهای غیرنفتی مثل فرش و خشکبار
محصولات اصلی کشاورزی:	حبوبات، پنبه، برنج، گندم، جو، نیشکر، چای، خشکبار
منابع طبیعی عمده:	نفت خام، گاز طبیعی، بوکسیت، قلع، نیکل، مس، طلا، نقره، آلومینیوم، سنگ مرمر و گچ
صنایع اصلی:	منسوجات، فرش بافی، پوشاک، چرم، کاغذ و مقوا، محصولات پتروشیمی، صنایع ماشین سازی، صنایع غذایی، نوشابه سازی، محصولات معادن غیرفلزی، مواد اولیه، ماشین آلات و تجهیزات، کالاهای مصرفی، ماشین آلات صنعتی و تنباکو

ایران دارای ۵۲ هزار کیلومتر راه شوسه می باشد که ۱۴ هزار کیلومتر آن آسفالت شده و ۵ هزار کیلومتر راه آهن دارد. مهم ترین راه آهن آن راه آهن سراسری است به طول ۱۳۹۴ کیلومتر که بندر ترکمن را در شمال به بندر امام در جنوب متصل می کند.

۱. آمار و ارقام ارائه شده با استفاده از گزارش های آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و گزارش سالانه اقتصادی اكو، تنظیم گردیده است.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اکو / ۱۰۵

ایران به عنوان یک تولیدکننده بزرگ محصولات کشاورزی، صنعتی و معدنی کالای فراوانی را به کشورهای جهان صادر می‌کند و دارای توان تجاری گسترده‌ای است. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که می‌تواند مسیرهای متنوعی را برای حمل و نقل کالای صادراتی و وارداتی اغلب کشورهای عضو اکو در اختیار آنان قرار دهد.

در تأسیس و ادامه فعالیت سازمان اکو، جمهوری اسلامی ایران از سهم بیشتری برخوردار بوده است. هم‌چنین ایران حلقه ارتباطی میان دو کشور ترکیه و پاکستان بوده که در دهه‌های اخیر همواره سعی بر گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و تجاری خود داشته‌اند. ایران با جمعیتی بیش از ۶۵ میلیون نفر (آمار غیررسمی) و اقتصادی متنوع و بازاری پویا و پرتحرک، مرکز ثقل اکو و ثروتمندترین عضو آن به شمار می‌رود. راههای دریایی خزر به راحتی به شبکه شریانی بزرگ راههای داخلی پیوند می‌خورد و محصولات تجاری را تا سواحل خلیج فارس و دریای عمان هدایت می‌کند.

دسترسی به این مسیر از زمان دولت تزاری و بعدها در دوران حکومت کمونیست‌ها، همواره از آرزوهای بزرگ دولت‌های روس بوده است و برای گشودن آن در طول سالیان دراز، ترفندهای متعددی به کار گرفته‌اند که حمله به افغانستان مهم‌ترین آنهاست. چنین شاهرایی اکنون بدون هیچ مشکلی در اختیار همه کشورهای عضو اکو است. ایران چنین فرصتی را در اختیار ترکیه نیز قرار داده است که به حمل و نقل کالای ترانزیتی کشورهای شمال با استفاده از مسیرهای جاده‌ای ایران مبادرت ورزد. بدین ترتیب ایران به یک حلقه اصلی در زنجیره عملیاتی اکو مبدل شده است.

چشم‌انداز اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران با اجرای برنامه پنج ساله اول (۱۳۷۳-۱۳۶۸) سعی در متنوع‌سازی اقتصاد خود نمود. در این دوره نرخ رشد متوسط سالانه اقتصاد کشور ۸/۱٪ بود. ولی کماکان تولید و صادرات نفت مشخصه اصلی اقتصاد ایران می‌باشد. بعد از سال ۱۹۹۰ تاکنون سهم نفت هنوز ۲۱/۱٪ از تولید ناخالص ملی (GNP) را تشکیل داده و درآمد حاصل از صادرات نفت بخش عمده

درآمدهای ارزی کشور را تشکیل می‌دهد. علاوه بر نفت، جمهوری اسلامی ایران دارای ذخایر عظیمی از منابع معدنی نظیر مس، سرب، آهن، روی و منگنز می‌باشد. گاز طبیعی دیگر منبع مهم برای اقتصاد کشور است و در سال ۱۹۹۱ تولید گاز طبیعی به ۳۷ میلیون متر مکعب رسید و این رقم در سال ۱۹۹۴ شامل ۲۱۲ میلیون متر مکعب گاز غنی و ۱۳۵/۹۹ میلیون متر مکعب گاز سبک در روز بود.

همچنین صنایع کارخانه‌ای تأثیر مثبتی در GNP ایران داشته و ارزش افزوده تولید کالاها در این بخش بالغ بر ۶۸/۷٪ کل ارزش افزوده صنعت در سال ۱۹۹۱ بوده است.

اگرچه مهاجرت از روستا به شهر، کمبود آب، مشکلات آبیاری و... از جمله موانع برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی محسوب می‌شوند ولی این بخش ۲۷/۸٪ از تولید ناخالص داخلی (GNP) را در سال ۹۱-۱۹۹۰ تشکیل می‌داده است.

بخش خدمات و بانکداری همچنان درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی (GNP) را به خود اختصاص داده است. با این حال، تورم فزاینده در اقتصاد کشور به چشم می‌خورد. طبق آمار موجود، نرخ تورم از ۸/۹٪ در سال ۱۹۹۰ به ۱۹/۶٪ در سال ۱۹۹۱ رسید. بعد از اجرای اصلاحات اقتصادی گسترده و انضباط مالی، مهار تورم از طریق کنترل شتاب آن آغاز شد. نرخ تورم در ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به ترتیب ۲۱/۶ و ۲۱/۹٪ ثبت شده است.

قیمت فرآورده‌های نفتی تأثیر قابل توجهی بر روی تجارت خارجی ایران داشته و بین سالهای ۹۲-۱۹۸۲ ارزش واردات از ۹/۷ میلیارد دلار به ۲۸/۷ میلیارد دلار رسید. کالاهای اولیه و واسطه‌ای اقلام عمده واردات کشور را تشکیل داده و در درجات بعدی از اهمیت، کالاهای سرمایه‌ای قرار دارند.

در دهه ساله بین ۹۱-۱۹۸۱، آهن و فولاد (۱۵/۶ درصد)، ماشین‌آلات مکانیکی و الکترونیکی (۲۷/۲ درصد)، غلات (۶/۶ درصد)، مواد دارویی (۲/۱ درصد) و کودهای شیمیایی (۳/۴ درصد) اقلام اصلی واردات ایران را تشکیل می‌داند. در حالیکه جمهوری اسلامی ایران اولین صادرکننده به کشورهای عضو اكو و دومین واردکننده بزرگ در بین اعضای اكو پس از ترکیه می‌باشد. هنوز آلمان و

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اگو / ۱۰۷

ژاپن به عنوان مهم‌ترین شرکای تجاری کشور محسوب می‌شوند. در سالهای ۹۴-۱۹۹۳ سهم صادرات ایران به کشورهای عضو اگو نسبت به کل صادرات کشور (به جز نفت) ۱۵ درصد گزارش شده است. در همین سالها سهم واردات از کشورهای اگو به ترتیب ۴ و ۶/۸ درصد بوده است.

توسعه صادرات غیرنفتی از طریق تبدیل برابری ارز خارجی با ریال از اولویت‌های سیاست‌های اقتصادی کشور می‌باشد. نتیجه سیاست‌های جدید منجر به افزایش ارزش کالاهای صادراتی غیرنفتی به رقم بی‌سابقه ۳/۲ میلیارد دلار در سالهای ۹۲-۱۹۹۱ و به حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ شده است. فرش، میوه‌های تازه و خشک شده، پوست و چرم، تولیدات معدنی و خاویار اقلام عمده صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد. دولت در برنامه ۵ ساله دوم اهمیت ویژه‌ای را برای افزایش صادرات غیرنفتی و جایگزینی تدریجی آنها با نفت قائل گردیده است. محورهای اصلی سیاست‌های کلان اقتصادی کشور در برنامه دوم تداوم اصلاحات تجاری و مالی، تثبیت قیمت‌ها و مهار تورم خواهد بود.

جدول شماره ۲:

وضعیت حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای عضو اگو (دلار)

صادرات و واردات	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	افغانستان	آذربایجان	ترکمنستان	ازبکستان	قرقیزستان	تاجیکستان	کل اگو
صادرات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۳	۶۶۷,۰۲۶,۰۰۰	۴۳,۷۶۶,۰۰۰	۲,۸۹۸,۰۰۰	۱۵,۵۴۱,۰۰۰	۶۸,۹۶۱,۰۰۰	۴۱,۷۶۲,۰۰۰	۱,۶۴۱,۰۰۰	۵۹۶,۰۰۰	۴,۴۲۷,۰۰۰	
صادرات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۴	۶۹۲,۴۰۶,۰۰۰	۴۰,۴۹۴,۰۰۰	۳۳,۸۸۰,۰۰۰	۳۹,۳۱۰,۰۰۰	۲۰۱,۷۱۴,۰۰۰	۳۳,۵۱۸,۰۰۰	۲۶,۸۰۹,۰۰۰	۳۰,۱۳۵,۰۰۰	۷,۹۱۸,۰۰۰	
واردات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۴	۴۰۷,۴۵۳,۰۰۰	۴۰,۱۳۴,۰۰۰	۸۸۳,۰۰۰	۸۰۰	۳۰۳,۸۵۶,۰۰۰	۲۷,۸۴۵,۰۰۰	۸۸۳,۰۰۰	-	۱۸,۲۶۹,۰۰۰	
واردات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۵	۲۷۳,۷۸۹,۰۰۰	۵۳,۱۹۴,۰۰۰	۳,۶۶۸,۰۰۰	۹۰۰	۳۹۴,۵۳۴	۳۳,۵۱۸,۰۰۰	۳,۶۶۸,۰۰۰	۵,۷۷۷,۰۰۰	۱,۱۸۸,۰۰۰	
صادرات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۵ ^۱	۶۸۹,۰۰۰,۰۰۰	۱۹۱,۰۰۰,۰۰۰	-	-	۷۳,۰۰۰,۰۰۰	۲۷,۰۰۰,۰۰۰	-	۲,۰۰۰,۰۰۰	-	۹۸۲,۰۰۰,۰۰۰

مأخذ: جمهوری اسلامی ایران وزارت امور خارجه دفتر اگو

۵. جمهوری اسلامی پاکستان

اطلاعات پایه

مساحت:	۷۹۶,۱۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۱۳۱,۶۰۰,۰۰۰ نفر (۱۹۹۶)
پول رایج:	روپیه پاکستان
سطح درآمد:	۵۹,۲۳۵ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۶)
میزان بدهی های خارجی:	۲۸,۶۰۳ میلیون دلار آمریکا
نوع صادرات:	متنوع
محصولات اصلی کشاورزی:	گندم، برنج، پنبه، نیشکر، ذرت، جو، تنباکو، انواع میوه ها و سبزیجات
منابع طبیعی عمده:	سنگ آهک، سنگ گچ، استرونتیوم، خاک سرخ، سنگ نمک، ذغال سنگ، سنگ مرمر، دولومیت، منگنز، سولفور (گوگرد)، نفت، گاز و سنگ آهن
صنایع اصلی:	منسوجات، فرش بافی، پوشاک، چرم، کاغذ و مقوا، محصولات پتروشیمی، صنایع ماشین سازی، صنایع غذایی، نوشابه سازی، محصولات معادن غیر فلزی، مواد اولیه، ماشین آلات و تجهیزات، کالاهای مصرفی، ماشین آلات صنعتی و تنباکو

چشم انداز اقتصادی

پاکستان کشوری با مساحت ۷۹۶,۱۰۰ کیلومتر مربع و دارای جمعیت ۱۳۱/۶ میلیون نفری می باشد. با وجود تلاش دولت برای کاهش نرخ رشد جمعیت، رشد سالانه جمعیت هنوز بالاست، اگرچه این رقم از ۲/۸۱ درصد در سال ۱۹۹۴-۹۵ به ۲/۱۷ درصد در سال ۱۹۹۵-۹۶ کاهش یافت.

کشاورزی یک چهارم از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و نیمی از نیروی کار کشور در این بخش مشغول می‌باشند. محصولات کشاورزی نیز بطور مستقیم یا غیرمستقیم حدود دو سوم از کل صادرات را به خود اختصاص می‌دهند.

پنبه پاک‌کنی، نخ‌ریسی، نساجی، پالایش نفت و تولید مواد خوراکی مهم‌ترین اجزاء تولید صنعتی این کشور را تشکیل می‌دهد. کمبود پنبه با وجود استعداد و بهره‌وری در ریسندگی و بافندگی، بر رشد صنعت نساجی تأثیر منفی گذاشته و کمبود انرژی و تنگناهای زیربنایی از رشد بیشتر صنایع جلوگیری کرده است. سیاست‌های تثبیت اقتصادی، خصوصاً رشد پایین اعتبارات در بخش خصوصی محدودیت‌هایی را برای رشد تولیدات صنعتی بوجود آورده است. در سال ۹۴-۱۹۹۳ کاهش قابل ملاحظه‌ای در تولید سیمان و تولیدات کفنی مشاهده شد. ولی تولید کود، شکر، لاستیک و سیگار به سرعت افزایش یافت. با وجود این انتظار می‌رود که رشد صنعتی در سالهای ۹۵/۱۹۹۴ اندکی بیشتر از سال ۹۴/۱۹۹۳ باشد.

تولید ناخالص سرانه ملی در سال ۹۶-۱۹۹۵، ۴۳۰ دلار برآورد شده است که بدین صورت پاکستان را جزو کشورهای فقیر قرار می‌دهد. اگرچه تولید ناخالص ملی به‌خاطر دسترسی به سرمایه‌های مهم و قابل توجه خارجی و بازارهای مطلوب برای صادرات پاکستان در حال رشد است، اما منافع حاصل از رشد اقتصادی بطور متناسب میان مردم تقسیم نشده است.

در سالهای ۹۴-۱۹۹۳ و ۹۵-۱۹۹۴ رشد اقتصادی به سطوح مورد نظر نرسید و تورم افزایش یافت. بنظر می‌رسد به دلیل ذخایر ارزی بسیار اندک و کسری عظیم مالی و موازنه منفی پرداخت‌ها اعاده ثبات اقتصادی از اولویت‌های مسئولین کشور بوده باشد. در همین راستا پیشرفت مهمی در کاهش عدم توازن پرداخت‌های خارجی در ۹۴-۱۹۹۳ حاصل شد و کسری موازنه پرداخت‌ها به نصف رقم سالهای قبل رسید. ذخایر ناخالص ارزی نیز از میزان معادل دو هفته واردات به بیش از سه ماه افزایش یافته است.

بطور هم‌زمان، کسری مالی معادل دو درصد تولید ناخالص داخلی کاهش یافت، رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی به خاطر شرایط نامساعد بخش کشاورزی، رکود صادرات، تقاضای

ضعیف داخلی متأثر از اقدامات تثبیت‌گرانه، و تنگناهای بخش‌های انرژی و زیربنایی، کاهش یافت. به دلیل فشار شوک‌های وارده بر تولیدات کشاورزی و افزایش‌های ضروری در قیمت‌های کنترل شده، تورم به دو برابر افزایش یافت.

دولت پاکستان برنامه اصلاحات خود را گسترش داده و با کاهش تعرفه‌ها و کاهش محدودیت‌های مقداری، گام مهمی در زمینه اصلاحات تجاری برداشته شده است. با وجود بعضی تأخیرات، برنامه خصوصی‌سازی دولت موفقیت‌های قابل توجهی را کسب کرده است. برنامه اولیه برای فروش ۱۰۳ واحد صنعتی (بعدهاً به ۱۱۸ افزایش یافت) تقریباً در حال تکمیل است و در اصلاح سیستم مالیاتی هم موفقیت‌های نسبی حاصل گردیده است.

برنامه‌های توسعه میان مدت دولت مستلزم کاهش بیشتر در کسری مالی به منظور کمک به تولید ناخالص داخلی و رشد فزاینده ذخایر ناخالص خارجی به منظور رسانیدن رشد ناخالص داخلی به ۶/۵ درصد در سال و کاهش سریع تورم در طول چند سال آینده می‌باشد.

شوک‌های پیش‌بینی نشده مانند کاهش تولیدات زراعی، قیمت‌های نامناسب جهانی نفت یا پنبه، تغییرات در تقاضای جهانی، نحوه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای عواملی هستند که می‌توانند اقتصاد و موقعیت خارجی پاکستان را آسیب‌پذیر و تا چندین سال نیازمند کمک‌های خارجی نمایند.

عملکرد اقتصادی پاکستان در سالهای ۹۶-۱۹۹۵ حاکی از روندی دوگانه است. عملکرد بخش‌های مالی کاملاً رضایت‌بخش بوده و بخش کشاورزی به نرخ رشد بالاتری به واسطه تولید انبوه پنبه دست یافت. در نتیجه تولید ناخالص داخلی با نرخ ۶/۱ درصد رشد کرد و نرخ تورم از طریق مدیریت بهتر اقتصاد کلان و نیز کنترل رشد نقدینگی، کاهش یافت. اما مجموع کسری مالی و کسری حساب جاری افزایش یافت. این امر ناشی از هزینه‌ها عظیم بودجه در مقابل درآمدها و نیز حجم بالاتر واردات و در نتیجه کسری تجاری حاصله بود.

تولید ناخالص داخلی با نرخ معادل ۶/۱ درصد در سال ۹۶-۱۹۹۵ رشد کرد که این رقم در مقایسه با ۴/۴ درصد در سال ۹۵-۱۹۹۴ نشانگر بهبود وضعیت اقتصادی است، بخش کشاورزی در

سال ۹۶-۱۹۹۵ نرخ رشدی معادل ۶/۷ درصد داشت که این امر به واسطه رشد تولید در محصولات برنج و پنبه بود. بخش صنعت در سال ۹۶-۱۹۹۵ رشدی معادل ۴/۸ درصد داشت. این رقم در سال ۹۵-۱۹۹۴ معادل ۲/۹ درصد بود. بخش خدمات نیز در سال ۹۶-۱۹۹۵ نرخ رشدی معادل ۵/۸ درصد داشت که رقم ما قبل آن معادل ۴/۲ درصد بود.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۹۷-۱۹۹۶ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۶/۳ درصد برسد که بخش‌های صنعت و کشاورزی اجزای اصلی این نرخ رشد را تشکیل خواهند داد. نرخ تورم به میزان ۸/۵ درصد پیش‌بینی شده است. رقم کل سرمایه‌گذاری در سال ۹۷-۱۹۹۶ معادل ۱۲/۹۷ میلیارد دلار می‌باشد که نشانگر رشدی ۲۱/۴ درصدی نسبت به سال ماقبل است که این رقم معادل ۱۰/۶۸ میلیارد دلار بود. در طول سال ۹۷-۱۹۹۶ کسری مالی به سطح ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی تقلیل داده خواهد شد. این امر از طریق افزایش درآمدها به میزان ۱۸/۶ درصد از GDP و مهار هزینه‌های دولتی به میزان ۲۲/۶ درصد از GDP انجام خواهد گرفت.

حضور پاکستان در کنار اعضای اكو موقعیت مطلوبی در اختیار می‌گذارد که اكو از جانب شرق به بازارهای منطقه‌ای مرکز و جنوب شرقی آسیا نزدیک شود. پاکستان می‌تواند به حمل و نقل کالای ترانزیتی کشورهای شمالی اكو از طریق جاده‌های ایران و بنادر خود همت گمارد. پاکستان همچنین حجم گسترده‌ای از محصولات صنعتی و کشاورزی تولید می‌کند که به دلیل پایین بودن نرخ با استقبال فراوانی در جهان روبرو است. بخشی از این تولیدات در خود منطقه اكو نیز مورد نیاز است و به همین جهت پاکستان می‌تواند این کالاها را با قیمت کمتر و هزینه پایین‌تری در بازارهای منطقه عرضه کند.

جدول شماره ۳:

وضعیت حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی پاکستان با سایر کشورهای عضو اگو (دلار)

کل اگو	ازبکستان	ترکمنستان	تاجیکستان	قرقیزستان	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکیه	افغانستان	صادرات و واردات
	۱۳,۶۹۹,۰۰۰	۳۵۱,۰۰۰	۶۹۵,۰۰۰	۳۲۸,۰۰۰	۱۷,۱۹۶,۰۰۰	۲۱۴,۰۰۰	۱۰,۱۱۱,۰۰۰	۱۰۲,۹۸۰,۰۰۰	۱۵,۳۱۷,۰۰۰	صادرات پاکستان در سال ۱۹۹۳
	۱۷,۸۱۹,۰۰۰	۱۰,۳۵۵,۰۰۰	۶۷۶,۰۰۰	۹۵۴,۰۰۰	۲۶,۴۶۵,۰۰۰	۵۵,۰۰۰	۶,۴۱۶,۰۰۰	۳,۵۱۸,۰۰۰	۲۵,۶۳۴,۰۰۰	صادرات پاکستان در سال ۱۹۹۴
	۳۴,۷۱۸,۰۰۰	۱,۹۹۶,۰۰۰	۴,۵۷۳,۰۰۰	۴۷,۰۰۰	۱۲۱,۸۱۵,۰۰۰	۵,۲۴۳,۰۰۰	۷,۸۶۶,۰۰۰	۱۳۴,۲۰۱,۰۰۰	۱۹,۹۰۰,۰۰۰	صادرات پاکستان در سال ۱۹۹۵
	۲۹,۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۸۷,۰۰۰	۱۴۶,۸۹۷,۰۰۰	-	۴۳,۰۰۰	۵۸,۲۳۶,۰۰۰	۱۰,۰۰۲,۰۰۰	واردات پاکستان در سال ۱۹۹۳
	۹۶۶,۰۰۰	۴۶,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۵۳,۰۰۰	۱۲۹,۱۰۶,۰۰۰	-	۱۸۷,۰۰۰	۵۵,۹۵۵,۰۰۰	۱۱,۰۲۸,۰۰۰	واردات پاکستان در سال ۱۹۹۴
	۳,۴۱۲,۰۰۰	۳۴۷,۰۰۰	۱,۲۷۷,۰۰۰	۱۰۰۰	۱۸۶,۳۱۰,۰۰۰	۱۷,۰۰۰	۲,۰۵۸,۰۰۰	۸۵,۴۶۲,۰۰۰	۱۵,۲۸۴,۰۰۰	واردات پاکستان در سال ۱۹۹۵
۳۳۸,۰۰۰,۰۰۰	۳۶,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	-	۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	۸,۰۰۰,۰۰۰	۱۳۷,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰	صادرات پاکستان در سال ۱۹۹۵ ^۱

مأخذ: وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی پاکستان

۶. جمهوری تاجیکستان^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۱۴۳,۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۵,۸۸۵,۳۰۰ نفر (۱۹۹۶)
پول رایج:	روبل
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۴۱/۸ میلیون روبل (برای یازده ماه از سال ۱۹۹۶)
میزان بدهی های خارجی:	۴۱ میلیون دلار آمریکا
نوع صادرات:	متنوع
محصولات اصلی کشاورزی:	پنبه، انگور، میوه، حبوبات، گیاهان دارویی
منابع طبیعی عمده:	نفت، ذغال سنگ، سنگ آهن، سرب، روی، قلع، سنگ
صنایع اصلی:	سرمه، جیوه، طلا، تنگستن و مواد غیر فلزی آلومینیوم، دستگاه های الکترونیکی، ماشین آلات نساجی، فرش بافی، کارخانجات ابریشم، یخچال سازی، برق آبی

چشم انداز اقتصادی

وسعت تاجیکستان ۱۴۳,۱۰۰ کیلومتر مربع است که تنها ۷ درصد آن قابل کشاورزی است. جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۳ حدود ۵/۸ میلیون نفر بوده و از رشد جمعیت بالایی برخوردار است. نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت در روستاها زندگی می کنند. تاجیکستان یکی از فقیرترین کشورهای مستقل مشترک المنافع محسوب می شود و طی برآوردی که در سال ۱۹۹۳ انجام شد، میزان تولید ناخالص سرانه ملی ۴۷۰ دلار اعلام گردیده است.

۱. جهت اطلاع بیشتر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جمهوری تاجیکستان به کتاب سبز این کشور از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه رجوع شود.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو او / ۱۱۵

اقتصاد تاجیکستان به شدت به کشاورزی و صنایع فرآوری مواد اولیه غذایی و مواد خام وابسته است. در سال ۱۹۹۰ حدود ۳۸ درصد از تولید ناخالص ملی در بخش کشاورزی و از طریق تولید الیاف پنبه، لبنیات، گندم و محصولات باغی تأمین گردید. ۲۸ درصد نیز متعلق به بخش صنایع بوده است. تاجیکستان ۷۵ درصد از نیازهای برق خود را از طریق نیروی برق آبی تأمین می‌کند و تولید سالانه آلومینیوم آن ۵۰۰ تن می‌باشد.

از عمده‌ترین فعالیت‌های تولیدی می‌توان به صنایع غذایی شامل میوه‌جات، انگور و انواع روغن نام برد. همچنین صنایع سبک نظیر دخانیات، کارخانه پنبه پاک‌کنی، کارخانه‌های ابریشم‌بافی، نساجی، بافتنی، صنایع کفش و قالبیافی فعال بوده و صنایع نیمه سنگین و سنگین نیز شامل فلزکاری، انتقال نیروی برق و تجهیزات کشاورزی می‌باشند. سهم خدمات در تولید ناخالص ملی سال ۱۹۹۰ کشور بسیار اندک بوده است.

تاجیکستان در سال ۱۹۹۳ دارای ۱/۹ میلیون نیروی کار با احتساب ۱/۱ درصد میزان بیکاری بوده است. ۷۸ درصد از نیروی کار در واحدهای صنعتی دولتی و مزرعه‌های بزرگ کار می‌کنند و ۲۲ درصد به کشاورزی خصوصی و یا دسته‌جمعی اشتغال دارند. قابل توجه است که کشاورزی خصوصی در تاجیکستان بالاترین میزان در میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع می‌باشد.

موازنه پرداخت‌های تاجیکستان عمدتاً به مبادلات این کشور با دیگر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد) وابسته است. مهم‌ترین مواد صادراتی این کشور عبارتند از: آلومینیوم، پنبه خام و تولیدات نساجی که مجموعاً ۶۰ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهند. انواع میوه و سبزیجات ابریشم و برخی مواد مصرفی نیز از دیگر اقلام صادراتی این کشور محسوب می‌شوند. کلیه مصنوعات مصرفی، و بطور فزاینده‌ای کالاهای اساسی غذایی، بخصوص غلات از طریق واردات تأمین می‌گردد.

طی دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۰ تاجیکستان کاهشی به میزان متوسط ۱۸ درصد را در تولید ناخالص ملی خود تجربه نمود و در دوره ۸۵-۱۹۸۰ میزان رشد متوسطی حدود ۲/۵ درصد را داشته است. از

آغاز نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ نیز میزان تولید سرانه ناخالص داخلی به شدت کاهش یافته است. تاجیکستان طی سال ۱۹۹۱ شاهد یک کاهش عمده در تولید ناخالص داخلی خود در اثر بروز مشکلات سیاسی - اقتصادی بود، بطوری که شاخص بهای کالاهای مصرفی در این سال به میزان ۱۹۰ درصد افزایش داشته است.

در حال حاضر دولت تمرکز خویش را بر آزادسازی قیمت‌ها و ایجاد یک برنامه خصوصی‌سازی برای ۸۴۰ شرکت به منظور سرمایه‌گذاری خارجی متمرکز کرده است. این کشور دارای مبادلات وسیع با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بوده و در صدد گسترش مبادلات خود با افغانستان، پاکستان، چین و ایران نیز می‌باشد.

دو نیروگاه آبی در سال ۱۹۹۴ به بهره‌برداری رسیده است که امکان صادرات برق را فراهم می‌کند. توسعه دیگر صنایع صادراتی نیز از زمینه‌های مناسبی برخوردار است.

در طول سالهای ۹۶-۱۹۹۵ تحولات مثبتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی تاجیکستان به وقوع پیوسته است. دولت تاجیکستان اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده است. این برنامه که توسط پارلمان به تصویب رسیده است برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ تنظیم گشته است و دولت از صندوق بین‌المللی پول برای اجرای این برنامه اعتباری به میزان ۱۵ میلیون SDR دریافت کرده است. اهداف استراتژیک برنامه مذکور به قرار زیر است:

- توسعه سیستم کنترل و تثبیت اقتصادی مؤثر و انعطاف‌پذیر از سوی دولت

- ایجاد یک اقتصاد چند وجهی و محیط اقتصادی رقابتی

- ارتقای سطح و کیفیت استاندارد زندگی مردم

- ایجاد یک سیستم مالی و پولی مؤثر

- اجرای اصلاحات ساختاری و نوسازی اقتصاد

- ایجاد یک سیستم تثبیت و کنترل واردات

- ایجاد یک سیستم مؤثر کاریابی و اشتغال

- تحکیم روند یکپارچگی و توسعه روابط اقتصادی با دنیای خارج

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اگو / ۱۱۷

در میان کشورهای اگو، تاجیکستان به دلیل زبان و فرهنگ، نزدیکترین جمهوری به ایران است. این کشور از منابع سرشار، نفت خام، مس و سرب بهره‌مند است که در صورت بهره‌برداری مناسب می‌تواند منبع انرژی قابل توجهی برای این کشور باشد. در تاجیکستان، صنعت آلومینیوم‌سازی، صنایع شیمیایی و نساجی نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. متأسفانه این کشور تاکنون نتوانسته است توانمندی خود را در هیچ یک از مناطق تجاری جهان به‌بوته آزمایش بگذارد.

جدول شماره ۴:

وضعیت حجم مبادلات تجاری جمهوری تاجیکستان با سایر کشورهای عضو اکو (دلار)

صادرات و واردات	افغانستان	آذربایجان	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	پاکستان	ترکیه	ترکمنستان	ازبکستان	کل اکو
صادرات تاجیکستان در سال ۱۹۹۴	۲,۵۷۴,۰۰۰	۱۲۳,۰۰۰	۲,۱۸۲,۰۰۰	۸,۱۸۵,۰۰۰	۷,۱۰۶,۰۰۰	۴۶,۰۰۰	۸,۰۷۹,۰۰۰	۴,۹۵۹,۰۰۰	۸۳,۷۵۸,۰۰۰	
صادرات تاجیکستان در سال ۱۹۹۵	۳۰۳,۰۰۰	۳۹۲,۰۰۰	۶۱۸,۰۰۰	۲۶,۷۶۲,۰۰۰	۶۶۳,۰۰۰	۲۲۴,۰۰۰	۸,۰۷۲,۰۰۰	۱۵,۷۳۰,۰۰۰	۱۵۲,۱۵۷,۰۰۰	
واردات تاجیکستان در سال ۱۹۹۴	۲,۰۵۸,۰۰۰	۵۰۲,۰۰۰	۱,۵۰۲,۰۰۰	۱۲,۶۵۳,۰۰۰	۳۷۹,۰۰۰	۳۷۱,۰۰۰	۱۸,۳۷۹,۰۰۰	۲۰,۵۷۰,۰۰۰	۱۹۹,۶۹۶,۰۰۰	
واردات تاجیکستان در سال ۱۹۹۵	۲,۳۲۶,۰۰۰	۲,۶۹۳,۰۰۰	۷,۸۵۰,۰۰۰	۳۱,۸۸۷,۰۰۰	۱,۲۸۰,۰۰۰	-	۱۷۶,۰۰۰	۴۵,۴۴۶,۰۰۰	۱۱,۱۶۳,۰۰۰	
صادرات تاجیکستان در سال ۱۹۹۵ ^۱	-	-	-	-	۵,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	-	-	۱۲,۰۰۰,۰۰۰

مأخذ: وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی تاجیکستان

۷. جمهوری ترکمنستان^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۴۸۸,۱۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۲,۸۳۳,۰۰۰ نفر (۱۹۹۳)
پول رایج:	منات
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۵۱۵۶ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۲)
میزان بدهی های خارجی:	۹۰ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۳)
نوع صادرات:	صادرکننده نفت و گاز و پنبه
محصولات اصلی کشاورزی:	حبوبات، پنبه و خشکبار (میوه های خشک شده)
منابع طبیعی عمده:	نفت، گاز، گوگرد، پتاسیم، ذغال، سرب، سولفات باریم، منیزیم، بروماین و آیودین.
صنایع عمده:	پالایش نفت، استخراج گاز، صنایع شیمیایی، ماشین سازی، کودشیمیایی، پارچه و البسه

چشم انداز اقتصادی

اگرچه وسعت ترکمنستان ۴۸۸,۱۰۰ کیلومتر مربع است. اما صحرای قره قروم ۹۰ درصد مساحت کشور را شامل شده و جمعیت آن در سال ۱۹۹۳ فقط ۳/۸ میلیون نفر بوده است. علی رغم منابع طبیعی غنی و نرخ رشد بالا در مقایسه با کشورهای مستقل مشترک المنافع، متوسط درآمد واقعی این کشور در سطح پائینی قرار دارد. شاخص های پائین اجتماعی در مقایسه با استانداردهای غربی و حتی مشترک المنافع و رقم بالایی متوسط خانوار (۵/۶ نفر) و رشد سالانه جمعیت (۲/۵ درصد از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰) از

۱. منبع اصلی اطلاعات مربوط به ترکمنستان، کتاب روندهای توسعه اقتصادی، خلاصه سال ۱۹۹۵، جلد اول، از انتشارات بانک جهانی است. برای اطلاع بیشتر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جمهوری ترکمنستان به کتاب سبز این کشور از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه رجوع شود.

مشخصه‌های اجتماعی این کشور محسوب می‌شوند.

ترکمنستان دارای منابع کافی انرژی از جمله گاز طبیعی و نفت بوده و به عنوان چهارمین تولیدکننده گاز طبیعی در دنیا و چهارمین تولیدکننده نفت در منطقه محسوب می‌شود. این کشور حدود ۱/۳ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی اثبات شده و علاوه بر آن تخمین زده می‌شود که ۱/۱ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز شناخته شده و ۱/۱ میلیارد تن ذخایر نفت و مقادیر دیگری مواد شیمیایی و ذخایر معدنی در اختیار داشته باشد.

علی‌رغم این استعداد قابل توجه درخصوص منابع هیدروکربوری، در حال حاضر صنایع متکی بر منابع معدنی و کشاورزی در اقتصاد این کشور تسلط داشته و تا ۴۶ درصد تولید خالص کالاها و ۴۲ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده است. پنبه و دیگر محصولات اصلی از جمله حبوبات، سبزیجات و انواع میوه‌ها، محصولات عمده بخش کشاورزی بوده و در سال ۱۹۹۱ کالاهای ساخته شده صنعتی حدود ۲۰ درصد تولید خالص مواد را تشکیل می‌داد. در همین مدت سهم فعالیت‌های ساختمانی حدود ۲۵ درصد تولید خالص مواد بود.

نفت، گاز، کالاهای صنعتی سبک و بویژه الیاف پنبه صادرات اصلی این کشور را تشکیل می‌دهند. ماشین‌آلات، آهن آلات، کالاهای ساخته شده سبک و فرآورده‌های غذایی اقلام اصلی وارداتی این کشور از گروه کشورهای مشترک‌المنافع بوده و تولیدات صنعتی سبک و مواد غذایی از دیگر کشورها وارد می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های جدید دولت در بخش ساختمانی باعث می‌شود که دوره انتقالی با سختی کمتری برای ترکمنستان سپری شود. البته تولیدات صنعتی پس از استقلال کشورهای CIS (فروپاشی شوروی سابق) ۲۰ درصد کاهش یافته و کمبود لوازم یدکی و مواد اولیه کارخانجات و عدم توانایی اغلب مدیران شرکت‌های دولتی، بر کیفیت تولیدات اثرات منفی داشته است. درآمد سرانه ترکمنستان در سال ۱۹۹۲ معادل ۱۲۷۰ دلار بوده است.

با معرفی منات دولت توانسته برخی از قیمت‌ها را آزاد سازد. در ماه می ۱۹۹۴ هر دلار برابر با ۶۰ منات بود که این برابری به ضرر پول محلی مرتب در حال کاهش بوده است.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اکو / ۱۲۱

برنامه اصلاحات ترکمنستان که قسمت عمده آن در ژانویه ۱۹۹۲ تنظیم شد، شامل وضع قوانین مالی، اقدامات پولی، اصول تعیین قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، توسعه صنایع زیربنایی و اصلاحات کشاورزی می‌شود. دولت هم‌چنین برنامه پنج‌ساله تولید و سرمایه‌گذاری را ترسیم کرده و در آن سرمایه‌گذاری عظیم در بخش‌های زیربنایی و انرژی پیش‌بینی شده است که بایستی از طریق سرمایه‌گذاری عظیم خارجی تأمین گردد. تا زمانی که دولت به فعالیت‌های بسیار کُند خود جهت اجرای اصلاحات ساختاری ادامه می‌دهد، ترکمنستان راه طولانی برای دستیابی به توسعه از راه منابع طبیعی غنی خود بالاخص در بخش انرژی را در پیش خواهد داشت. البته این بخش به صورت بالقوه بستر مناسبی برای رشد صادرات به حساب می‌آید.

بی‌شک نتیجه ارزیابی تجارت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، افزایش پرداخت‌های معوقه، وضعیت مبادلات، وضعیت روبل، نحوه قیمت‌گذاری گاز صادراتی و رژیم تجاری اینگونه کشورها می‌تواند شدیداً بر ارزش‌های دریافتی ترکمنستان و نحوه تأدیه حساب‌های کشور، علی‌رغم مازاد فعلی موازنه پرداخت‌ها تأثیر گذارد. در حال حاضر ترکمنستان براساس ارزش واقعی دارای مازاد در موازنه پرداخت‌های خود می‌باشد.

ترکمنستان تا پایان قرن حاضر حداقل به ۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیازمند است تا بتواند صنایع گاز خود را راه‌اندازی نماید و این سرمایه‌گذاری فقط با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و دسترسی به بازار سرمایه در وهله اول عملی است.

در میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه، ترکمنستان یکی از فعال‌ترین اعضای اکو محسوب شده و نسبت به دیگر جمهوری‌ها مشارکت بیشتری را در فعالیت‌ها و برنامه‌های اکو نشان می‌دهد. ترکمنستان یکی از کشورهای بزرگ منطقه اکو است و هم‌چنین از نظر دسترسی به راه‌های ترانزیتی ایران به سوی آب‌های گرم خلیج فارس در موقعیت بهتری قرار دارد. برگزاری چهارمین اجلاس سران اکو در عشق‌آباد در اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ و هم‌چنین مشارکت ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران در احداث و راه‌اندازی راه‌آهن حیاتی مشهد - سرخس - تجن، نشانه‌های بارز این نقش فعالی محسوب می‌شوند.

۸. جمهوری ترکیه^۱

اطلاعات پایه

مساحت:	۷۷۴,۸۱۵ کیلومتر مربع
جمعیت:	۶۱,۶۴۳,۱۰۰ نفر (۱۹۹۳)
پول رایج:	لیر ترکیه
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۱۶۹,۸۳۷ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۵)
میزان بدهی های خارجی:	۷۳,۱۷۱ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۵)
نوع صادرات:	صادرکننده فرآورده های متنوع
محصولات اصلی کشاورزی:	غلات، حبوبات، سیب زمینی، انواع میوه، خشکبار، سبزیجات، پنبه، تنباکو، چغندر، زیتون و چای
منابع طبیعی عمده:	مس، کرم، بوراکس، ذغال سنگ، بوکسیت، نفت، منگنز و سولفور
صنایع اصلی:	منسوجات، سیمان، آهن و فولاد، خودروسازی، فرآورده های غذایی، شکر، کودهای شیمیایی، مواد شیمیایی، کاغذ، شیلات، ماشین آلات کشاورزی، کالاهای مصرفی، صنایع دام و طیور، فرآورده های نفتی، شیشه و هیدروالکتریسته.

چشم انداز اقتصادی

ترکیه در منطقه ای به وسعت ۷۷۴۸۱۵ کیلومتر مربع و در دو قاره اروپا و آسیا واقع شده است، از نظر نزدیکی به بازارهای اروپا و استفاده از تسهیلات بازار مشترک اروپا در موقعیت

۱. جهت اطلاع بیشتر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جمهوری ترکیه به کتاب سبز این کشور از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه رجوع شود.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اکو / ۱۲۳

ممتازی قرار دارد. همچنین مسیر ترانزیتی مناسبی برای عبور کامیون‌های ایرانی، آسیای مرکزی و عراق است و در بین کشورهای عضو اکو در بهره‌گیری از ناوگان زمینی و دریایی خود به‌منظور جابه‌جایی کالای ترانزیتی از تجربیات مناسبی برخوردار است. جمعیت ۶۱/۶ میلیونی این کشور، با درآمد سرانه‌ای معادل ۳۰۵۶ دلار آمریکا در سال ۱۹۹۳، دارای نرخ رشدی معادل ۱/۸۵ درصد بود. در طول دهه گذشته، نرخ بیکاری در سطحی معادل ده درصد همچنان ثابت باقی مانده است. شاخص‌های اجتماعی نشانگر رشد قابل ملاحظه‌ای در طول بیست سال گذشته در ترکیه بوده‌اند. فقر مطلق به میزان کمی وجود دارد، اما توزیع نامتعادل درآمد بسیار بالاست.

بخش خدمات با فعالیت‌های بسیار پیشرفته، بانکداری و توریسم بالاترین سهم از تولید ناخالص ملی را به میزان ۵۸ درصد در سال ۱۹۹۳ دارا گردیده است. سهم صنعت از تولید ناخالص ملی ۲۶/۳ درصد و کشاورزی ۱۵/۷ درصد بوده است. با این وجود هنوز نیمی از نیروی کار کشور در بخش کشاورزی اشتغال دارند.

منسوجات و کالاهای ساخته شده اجزای اصلی صادرات ترکیه را تشکیل می‌دهد. و در ردیف بعدی، تولیدات کشاورزی از قبیل، پنبه، تنباکو، فندق و کشمش قرار دارد. ۸۰ درصد کل واردات این کشور را نیز تولیدات صنعتی از قبیل مواد شیمیایی، آهن و فولاد، ماشین‌آلات، تجهیزات الکتریکی و وسایل نقلیه موتوری شامل می‌گردد. واردات نفت خام بالغ بر ۱۰ درصد کل واردات ترکیه است.

در سال ۱۹۸۰ ترکیه یک برنامه اصلاح و تثبیت اقتصادی را آغاز کرد که مسیر اقتصاد کشور را از استراتژی جایگزینی واردات، ایجاد بازار و تکیه بر صنایع دولتی به سوی یک اقتصاد آزاد و مبتنی بر صادرات تغییر داد. پس از سال ۱۹۸۶ گام‌های بیشتری به منظور ادغام ترکیه در اقتصاد جهانی صورت گرفت اما غالب دستاوردهای گذشته در زمینه کاهش تورم به واسطه عدم توازن مالی و ادامه کسری بودجه از بین رفت. اینک آزادسازی اقتصاد خارجی ادامه یافته، همچنان از محدودیت‌های واردات کاسته شده، کمک‌های صادراتی تقلیل یافته و کنترل بر روی معاملات عمده به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر شده است. سیستم مبادله ارز در معرض یک اصلاح اساسی و

مهم قرار گرفته که منجر به آزاد شدن آن از محدودیت‌های مربوط به معاملات خارجی گردیده است. با این حال کسری بودجه و تورم عظیم و مستمر در این کشور بر دستاوردهای مثبت اقتصادی سایه افکنده است. نرخ تورم در سال ۱۹۹۰ به ۶۰ درصد رسید و میزان قروض بخش دولتی، به واسطه عملکرد ضعیف شرکت‌های تابعه این بخش، معادل ۷/۴ درصد تولید ناخالص ملی تا سال ۱۹۹۰ شد.

جنگ خلیج فارس، تغییر در حکومت و انتخابات ملی نیز اثرات منفی مهمی را بر عملکرد اقتصادی کشور از سال ۱۹۹۱ به جای گذاشته است. تحریم نفتی عراق نیز اقتصاد ترکیه را به دلیل قطع درآمدهای ناشی از خطوط لوله انتقال نفت ترکیه و خریدهای نفت دارای امتیاز این کشور از عراق، دچار صدمه جدی ساخته است. وقایع و تحولات بعدی این عدم اطمینان را تقویت کرد و سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش را کاهش داد.^۱ هم‌چنین بازارهای مالی و ارزی دچار رکود گردیده و تولید ناخالص ملی، پس از رشدی معادل ۹/۴ درصد در سال ۱۹۹۰، در سال ۱۹۹۱ تنها بانرخشی معادل ۰/۳ درصد رشد کرد. قروض بخش دولتی نیز به ۱۰/۲ درصد تولید ناخالص ملی و تورم قیمت کالاهای مصرفی به ۶۶ درصد بالغ گردید.

به دنبال یک ارزیابی مجدد در سال ۱۹۹۴، دولت تصمیم به اعمال یک برنامه تثبیت اقتصادی گرفت که شامل اقدامات گسترده به منظور خصوصی‌سازی می‌گردید. هدف اصلی کاهش بار کسری بودجه عظیمی بود که از عملکرد شرکت‌های متعلق به بخش دولتی ایجاد گردیده بود. در نیمه دوم سال ۱۹۹۴، ترکیه نرخ رشد منفی و نرخ تورم سه رقمی ۱۲۰ درصدی برای کل سال را تجربه کرد. البته نرخ بالای ارزهای خارجی به بهبود حساب‌های جاری - از طریق عدم تشویق به واردات - کمک کرد. ترکیه در ده ماهه اول سال ۱۹۹۴ دارای ۲۶۵۸ میلیون دلار موازنه مثبت بوده و ارزش میزان واردات به سطح سال ۱۹۹۲ رسیده است.

میزان بدهی خارجی ترکیه در پایان سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۶۶ میلیارد دلار آمریکا عنوان گردید.

۱. در اواخر سال ۱۹۹۶ و هم‌زمان با توافق عراق و سازمان ملل برای صدور محدود نفت عراق به میزان هر شش ماه ۲ میلیارد دلار جهت خرید مواد غذایی و دارویی، مقامات ترکیه اعلام نمودند که تحریم چندین ساله نفت عراق ضرری معادل بیش از ۲۰ میلیارد دلار به ترکیه تحمیل نموده است.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اکو / ۱۲۵

و بدهی بخش دولتی نسبتاً بالا بوده و بالغ بر ۳۰/۹ میلیارد دلار آمریکا در پایان سال ۱۹۹۳ بوده است. اگرچه موضوعات تثبیت و تسریع رشد تولیدی، به همراه برخی موضوعات اجتماعی نظیر درصد بالای نیروی کار در بخش کشاورزی، نرخ بالای بیکاری و افزایش سریع جمعیت هم‌چنان در دستور کار ترکیه قرار دارند، اما اقتصادی بسیار قوی‌تر و جهان‌شمول‌تر با یک بخش خصوصی فعال و پویا، کشور را در موقعیتی نیرومند برای رویارویی با این موارد قرار داده است. به نظر می‌رسد دولت ترکیه مصمم است تا از نیروی محرکه و رشد اقتصادی که در خلال دهه ۱۹۸۰ کسب کرده است، برای این منظور استفاده کند، و این امر را از طریق تثبیت هرچه بیشتر مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با اروپا دنبال می‌کند. آنکارا تقاضای عضویت کامل خود را در اتحادیه اروپا مطرح ساخته است و از ابتدای سال ۱۹۹۶ پیوستن به اتحاد گمرکی با جامعه اروپا تحقق یافته است. بدیهی است که تحول اخیر، تأثیرات مثبت و منفی را بر روند همکاری‌های تجاری ترکیه اکو و پیوستن به پروتکل تعرفه‌های ترجیحی این سازمان برجای گذاشته است. با توجه به تغییر سیاست ترکیه و سیاست نگرش مثبت آنها به گسترش همکاری با کشورهای منطقه و هم‌چنین پیشنهاد صریح دولت ترکیه برای تشکیل اتحادیه‌های فرعی موضوعی در چارچوب اکو نظیر اتحادیه پنبه، چشم‌انداز بهتری از گسترش همکاری‌های تجاری بین اعضای اکو و حرکت تدریجی به سمت آزادسازی تجاری در این منطقه ایجاد گردیده است.

موقعیت ترکیه در داخل سازمان همکاری اقتصادی اکو بیشتر به علت خط ارتباطی زمینی نسبتاً مناسب است و این کشور را به ایران و سپس به دیگر کشورهای آسیای مرکزی مربوط می‌کند. علاوه بر این راه آهن ترکیه این امکان را فراهم آورده است که قطارهای ایرانی بتوانند کالای ایران را به استانبول برسانند. ترکیه ارتباط دائمی منظمی با دیگر کشورهای اروپایی از طریق خطوط آهن برقرار کرده است.

این کشور امکانات ترانزیتی مهمی را نیز در زمینه حمل و نقل دریایی دارد. کشور ترکیه، هم از طریق دریای سیاه و هم از راه دریای مدیترانه قادر به پذیرش محمولات دریایی و حمل زمینی آن به دیگر کشورهاست.

جدول شماره ۵:

وضعیت حجم مبادلات تجاری جمهوری ترکیه با سایر کشورهای عضو اکو (دلار)

کل اکو	پاکستان	ازبکستان	ترکمنستان	تاجیکستان	قرقیزستان	قزاقستان	افغانستان	آذربایجان	ایران	صادرات و واردات
	۴۳/۳۸۲/۰۰۰	۲۱۳/۵۳۱/۰۰۰	۸۳/۸۸۶/۰۰۰	۴/۸۰۵/۰۰۰	۱۷/۰۴۴/۰۰۰	۶۷/۸۵۰/۰۰۰	۴۴۰/۰۰۰	۶۸/۲۱۳/۰۰۰	۲۸۹/۶۹۱/۰۰۰	صادرات ترکیه در سال ۱۹۹۳
		۵۶/۵۲۷/۰۰۰	۶۴/۵۴۲/۰۰۰	۸۴/۱۹۳/۰۰۰	۱۴/۵۸۰/۰۰۰	۱۳۱/۸۰۲/۰۰۰	۱/۵۴۸/۰۰۰	۱۳۲/۱۲۳/۰۰۰	۲۴۹/۸۱۵/۰۰۰	صادرات ترکیه در سال ۱۹۹۴
	۴۳/۳۸۲/۰۰۰	۳۱/۹۳۳/۰۰۰	۷۶/۸۹۲/۰۰۰	۶/۷۹۵/۰۰۰	۳/۴۷۰/۰۰۰	۴۳/۷۴۰/۰۰۰	۴۴۰/۰۰۰	۳۳/۹۳۷/۰۰۰	۶۶۷/۰۲۶/۰۰۰	واردات ترکیه در سال ۱۹۹۳
	۳۶/۷۷۲/۰۰۰	۷۸/۷۳۳/۰۰۰	۶۰/۲۲۹/۰۰۰	۲/۹۲۵/۰۰۰	۴/۱۸۶/۰۰۰	۳۲/۳۰۵/۰۰۰	۳۸۳/۰۰۰	۸/۸۸۳/۰۰۰	۶۹۲/۴۰۶/۰۰۰	واردات ترکیه در سال ۱۹۹۴
۹۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۳۸,۰۰۰,۰۰۰	۵۶,۰۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۸,۰۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	-	۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۶۶,۰۰۰,۰۰۰	صادرات ترکیه در سال ۱۹۹۵ ^۱

مأخذ: سازمان برنامه‌ریزی دولتی ترکیه مبادلات تجاری با کشورهای اسلامی

۹. جمهوری قرقیزستان

اطلاعات پایه

مساحت:	۱۹۹,۹۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۴,۵۴۵ هزار نفر (۱۹۹۵)
پول رایج:	صوم
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۲۰,۶۷۵ میلیون صوم قرقیزستان
میزان بدهی های خارجی:	۵۴۱ میلیون دلار آمریکا
نوع صادرات:	کالاهای ساخته شده
محصولات اصلی کشاورزی:	گندم، جو، ذرت و سبزیجات
منابع طبیعی عمده:	طلا، جیوه، ذغال سنگ، اورانیوم، سنگ سرمه، سرب و روی
صنایع اصلی:	تولیدات ذغال سنگ، سیمان، موتورهای الکتریکی، استیل، قالی، منسوجات، تولیدات کشفایی، گاز طبیعی، نفت خام.

چشم انداز اقتصادی

قرقیزستان سرزمینی محصور در خشکی با جمعیت ۴/۵ میلیون و جزو فقیرترین کشورهای مستقل مشترک المنافع با درآمد سرانه ای معادل ۸۵۰ دلار در سال ۱۹۹۳ می باشد. ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی متعلق به بخش کشاورزی و ۱۶ درصد متعلق به بخش صنعت است، ۴۰ درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی و ۲۰ درصد از نیروی کار در بخش صنعت اشتغال دارند.

این کشور شدیداً به فرآورده های نفتی وارداتی وابسته است. با این حال قرقیزستان دارای منابع قابل توجه هیدروکربنی بوده و صادرکننده انرژی الکتریکی نیز می باشد. قرقیزستان دارای

مقادیری طلا، سنگ سرمه، جیوه و ذخایر ذغال سنگ و مقدار کمی ذخایر شناخته شده نفت و گاز طبیعی است.

فروپاشی اتحاد شوروی، کاهش شدید در مبادلات این کشور به دلیل افزایش قیمت نفت و گاز وارداتی و اختلال در مبادلات و پرداخت‌ها با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع منجر به سقوط ۳۵ درصد از تولیدات واقعی (برای بخش صنعت تا ۵۰ درصد) از سال ۱۹۹۰ گردید.

قرقیزستان جزء اولین کشورهای CIS بود که پس از استقلال و به منظور تثبیت اقتصاد کلان اصلاحات سیستم اقتصادی را که از سوی صندوق بین‌المللی پول (IMF) حمایت می‌شود، آغاز نمود.

در ماه می ۱۹۹۳ قرقیزستان اقدامات جسورانه‌ای جهت ثبات بخشیدن به اقتصاد خود بامعرفی پول ملی به نام «صوم» نموده و در این راستا با حمایت صندوق بین‌المللی پول یک برنامه بلندپروازانه جهت ثبات بخشیدن به اقتصاد را آغاز نمود که در اولین سه‌ماهه ۱۹۹۴ (پایان ماه ژوئن) بطور موفقیت‌آمیز انجام گرفت. بدین طریق کمبود بودجه از ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۱۹۹۲ به چیزی نزدیک به ۸/۷ درصد در ۱۹۹۳ رسید. این مسئله علی‌رغم کاهش چشمگیر در درآمد مالیاتی از ۱۴ درصد GDP در ۱۹۹۲ به ۸ درصد در ۱۹۹۳ محقق گردیده است. در بخش هزینه، دولت نتوانسته جلوی اختصاص بودجه به شرکت‌ها را بگیرد و در نتیجه فشار تراز نمودن بودجه بر دوش سرمایه‌گذاری، مخارج جاری و حقوق کارکنان افتاده که ارزش واقعی آن در سال ۱۹۹۳ حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است.

بازسازی بخش‌های مهم اقتصاد به انجام نرسیده و این امر منجر به ۳۰ درصد تورم گردیده است. البته کنترل محدود دولتی توانسته به پائین آوردن میزان تورم کمک کند و میزان تورم ماهانه را در دسامبر ۱۹۹۳ به ۱۶ درصد و در مارس ۱۹۹۴ به ۷ درصد و در ماه می ۱۹۹۴ به ۳/۵ درصد برساند. ارزش صوم از فوریه ۱۹۹۴ شروع به افزایش کرده بطوری که ۱۲ صوم برابر با یک دلار آمریکا گردید. براساس تحقیق به عمل آمده توسط صندوق بین‌المللی پول در سپتامبر ۱۹۹۶، تورم شدیداً کاهش یافته و به واسطه اجرای سیاست‌های توصیه شده از طرف IMF تولید شروع به افزایش کرده است.

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو او / ۱۲۹

از آغاز دسامبر ۱۹۹۴ قدرت حاکمه تلاش‌های اصلاحی خود را از سرگرفت و اقدامات قاطعی را به قرار زیر انجام داده است: تعیین تمامی اندازه‌ها و مقادیر خرده‌فروشی و میزان مشخص نان و اینکه تعداد مؤسسات و فعالیت‌های تجاری که شامل قیمت‌گذاری هستند باید کاهش پیدا کنند. سیستم اعمال نظم دولتی در بخش کشاورزی در جهت تولید نیازهای کشاورزی کشور هدایت می‌شدند.

در ژانویه ۱۹۹۴ طی استراتژی تجدید نظر شده برای خصوصی‌سازی، مؤسسات تجاری با حداکثر تا یکصد کارمند، مشروط به آنکه پیشنهادات انجام شده برای خصوصی‌سازی و بهبود روش‌ها حداقل ۲۵ درصد سهام را به روش حراج برگه سهم به فروش رسانند، واگذار می‌شدند. هم‌چنین برای گسترش بخش خصوصی یک قانون تسویه دیون تصویب و فرامین دولتی متعددی صادر گردیده تا نظم بیشتری را به مؤسسات تجاری دولتی تحمیل و از انباشتن بیش از حد بدهی‌های معوق این مؤسسات جلوگیری شده و نظارت دقیق بر شرکت‌هایی که ظرف ۳ الی ۴ سال آینده خصوصی نخواهند شد امکان‌پذیرتر گردد. ضمناً انحلال مؤسساتی که بازده کمی داشته و زیان‌ده می‌باشند، به منظور کاهش بار آنها بر اقتصاد و کنترل تهدیدات آنها بر تلاش‌های ثبات‌آفرین در کشور پیش‌بینی گردیده است. یک آژانس بازسازی و حل مسائل و مشکلات برای مؤسسات فوق‌الاشاره تأسیس گردیده تا در مورد لزوم یا عدم لزوم انحلال ۲۹ شرکت تجاری غیر سودده تصمیم‌گیری نماید.

هرچند روند بازسازی اقتصادی قابل ملاحظه است، ولی به دلیل اختلال در تجارت با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، کاهش تولیدات، و قیمت بالای نفت و گاز، امر توسعه در کوتاه‌مدت مشکل می‌باشد. معهداً به دلیل وجود منابع طلا با استانداردهای جهانی، توانایی توسعه تولید نیروی برق آبی، امکان وجود منابع و ذخایر سرشار هیدروکربن کشف نشده، تولیدات گازی طبیعی به همراه توسعه تجارت و روابط اقتصادی با دیگر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، می‌توان انتظار داشت که در آینده نزدیک و در میان مدت این منطقه به یک بازیابی اقتصادی مبتنی بر صادرات دست یابد.

جدول شماره ۶:

وضعیت حجم مبادلات تجاری جمهوری قرقیزستان با سایر کشورهای عضو اکو (دلار)

کل اکو	افغانستان	ازبکستان	ترکمنستان	ترکیه	تاجیکستان	پاکستان	قزاقستان	ایران	آذربایجان	صادرات و واردات
		۷,۳۴۶,۰۰۰	۳,۹۴۰,۰۰۰	۲,۹۶۵,۰۰۰	۱۶۷,۰۰۰	۹۵,۲۱۴,۰۰۰	۲۳۰,۰۰۰	۱,۶۴۸,۰۰۰	۱,۹۸۲,۰۰۰	صادرات قرقیزستان در سال ۱۹۹۴
		۲,۲۰۰,۰۰۰	۳,۲۱۹,۰۰۰	۸۹,۴۶۹,۰۰۰	۶۰۵,۰۰۰	۶۶,۶۶۸,۰۰۰	۴,۱۴۳,۰۰۰	۲,۱۳۴,۰۰۰	۲,۹۸۸,۰۰۰	صادرات قرقیزستان در سال ۱۹۹۵
		۶,۹۱۵,۰۰۰	۱۵,۰۴۲,۰۰۰	۲,۷۸۵,۰۰۰	۳۲,۰۰۰	۵۳,۲۵۱,۰۰۰	۶۶۷,۰۰۰	۱,۵۰۶,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	واردات قرقیزستان در سال ۱۹۹۴
			۱۸,۵۸۱,۰۰۰	۳۸,۳۳۳,۰۰۰	۴,۸۲۴,۰۰۰	۱۱۲,۹۵۹,۰۰۰	۲,۳۱۳,۰۰۰	۳,۲۶۳,۰۰۰	۳,۰۲۶,۰۰۰	واردات قرقیزستان در سال ۱۹۹۵
۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	۷۱,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	۸,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۶۷,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	صادرات قرقیزستان در سال ۱۹۹۵ ^۱

مأخذ: وزارت امور خارجه جمهوری قرقیزستان

۱۰. جمهوری قزاقستان

اطلاعات پایه

مساحت:	۲,۷۱۷,۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۱۶,۹۵۲,۰۰۰ نفر (۱۹۹۳)
پول رایج:	تنگه (Tenge)
سطح درآمد (تولید ناخالص داخلی):	۱۵۶۰ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۳)
میزان بدهی‌های خارجی:	۱۶۳۹ میلیون دلار آمریکا (۱۹۹۳)
نوع صادرات:	متنوع
محصولات اصلی کشاورزی:	گندم، میوه، سبزیجات، خربزه، چغندر قند، برنج و انگور
منابع طبیعی عمده:	نفت، گاز، ذغال سنگ، مس، سرب، روی، نقره، تنگستن، قلع، کروم، نیکل، کبالت، وانادیوم، طلا، سنگ معدن آهن، فسفات و نمک
صنایع اصلی:	تولید ذغال سنگ، Ferrous، پرداختن مس، پرداختن فسفات، سیمان، ماشین‌آلات کشاورزی، ماشین‌های شستشو، البسه

چشم‌انداز اقتصادی

قزاقستان کشوری سرشار از منابع نفت، گاز، طلا، ذغال سنگ، مس، کروم و روی بوده و دارای مناطق وسیع قابل کشت می‌باشد و به همین دلیل در مقایسه با دیگر جمهوری‌های آسیای میانه از موقعیت اقتصادی بهتری برخوردار است. صنعت در این کشور حدود ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی را در سال ۱۹۹۲ تشکیل داده و قسمت اعظم آن شامل معدن کاوی و فعالیت‌های فرآوری (Processing) و استخراج منابع طبیعی است. تولیدات کشاورزی اصولاً بر گندم، ذرت، علوفه، محصولات دامی، پنبه و پشم استوار است و حدود ۳۴٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور در سال

۱۹۹۲ را تشکیل می‌داده است. این کشور تجارت خارجی بسیار نزدیکی با کشورهای مشترک‌المنافع خصوصاً روسیه دارد. چین و آلمان نیز دیگر شرکای مهم تجاری آن هستند. این کشور نه تنها مواد غذایی مورد نیاز خود را رأساً تهیه می‌کند، بلکه مازاد آن را به بازارهای جمهوری روسیه می‌فرستد. قزاقستان از نظر صنعتی نیز بسیار پیشرفته است و می‌تواند ورود خود را به هر بازار خارجی به خوبی توجیه کند. این کشور تنها کشور آسیای مرکزی است که موشک‌های بالستیک در اختیار دارد و در تولید برخی از مواد فلزی معدنی مانند نیکل، سرب، مس و هم‌چنین فسفات پیشرفت زیادی کرده است. باغ‌ها ثروت اصلی کشاورزی قزاقستان به حساب می‌آیند و از نظر معادن کروم در جهان اول است و ثروتمندترین کشور آسیای میانه به شمار می‌آید. به دلیل عدم دسترسی قزاقستان به بازارهای آزاد، تاکنون امکانات صادراتی این کشور به خوبی برآورده نشده ولی در سالهای اخیر در مذاکره با ایران و سایر کشورهای منطقه توفیقهایی به منظور توسعه مبادلات تجاری خود به دست آورده است.

به دنبال استقلال قزاقستان در دسامبر ۱۹۹۱ این کشور یکسری اصلاحات اقتصادی را همراه با آزادی قیمت‌ها در ژانویه ۱۹۹۲ آغاز کرده و یک برنامه اصلاح و تعدیل موازی با قیمت‌های کنترل شده (خصوصاً مواد غذایی اصلی، اجاره بها، انرژی و خدمات اساسی عمومی) را دنبال کرده است. قزاقستان همچنین یک برنامه خصوصی سازی ملی وسیع را برای سالهای ۹۵-۱۹۹۳ در بخش صنعت براساس دستور ویژه‌ای که توسط رئیس جمهوری در آوریل ۱۹۹۳ به تصویب رسید آغاز نموده و جهت دسترسی و بهره‌برداری کلیه شرکت‌های صنعتی حرکت براساس یک استراتژی سه‌جانبه را آغاز نموده است:

- حراج محلی شرکت‌های کوچک، کامیون‌ها و مراکز عمده‌فروشی.
- خصوصی سازی وسیع شرکت‌های بزرگ و متوسط
- واگذاری مورد به مورد امور شرکت‌های بزرگ عمدتاً از طریق مناقصه بین‌المللی.
- حراج شرکت‌های کوچک در سراسر کشور، که در آوریل ۱۹۹۴ شروع شده بود، با سرعت ادامه یافته و حدود ۱۰۰۰ شرکت در ظرف سه ماه به بخش خصوصی سپرده شدند.
- در جولای ۱۹۹۳ با تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری، برنامه وسیع خصوصی سازی آغاز شد

نگاهی به اوضاع اقتصادی کشورهای عضو او / ۱۳۳

و به دنبال آن در اکتبر ۱۹۹۳ توزیع اسناد مالکیت خصوصی بین مردم و تبدیل صدها شرکت سهامی انجام پذیرفته است. اجرای این کار قرار است طی دوالی سه سال آینده به پایان برسد.

خصوصی سازی شرکت های بزرگ در اواخر ۱۹۹۳، با فروش اولین شرکت و به مزایده گذاشتن سه شرکت دیگر آغاز شد و قرار است ۳۸ شرکت دیگر نیز به مزایده بین المللی گذاشته شوند. طبق تخمین، ۱۵ درصد از زمین های زراعی و چراگاهها، از طریق تأسیس ۱۵ هزار مزرعه اجاره ای و تشکیل ۹۱۹ شرکت تعاونی، سرمایه گذاری های مشترک و دیگر شرکت ها به اجاره بخش خصوصی درآمده است. تا اواسط ۱۹۹۳، نیمی از سهام مسکن از طریق طرح های مسکن به بخش خصوصی منتقل شده و همچنین تشکیل مؤسسات ساختمانی برای تشویق بخش خصوصی در امر سرمایه گذاری های خارجی ترغیب گردیده است.

قزاقستان پس از استقلال یک تورم لجام گسیخته و انقباض مداوم در تولید را تجربه کرده و قیمت کالاهای مصرفی به حدود ۱۵۰ درصد در ۱۹۹۱ صعود کرده و سپس بیش از ۲۰ بار در ظرف مدت دو سال افزایش یافته است.

قزاقستان هم چنین کاهش قابل ملاحظه تولید را به خاطر سقوط شدید در سرمایه گذاری، سطوح پایین مصرف که نشان دهنده کاهش در دستمزدهای واقعی و رفاه عمومی می باشد، کاهش هزینه های دفاعی، فروپاشی اولین شورای کمک اقتصادی دو جانبه و سپس سرنگونی اتحاد شوروی، انتشار پول های غیر قابل تسعیر (پول های ملی) در کشورهای مستقل مشترک المنافع، حذف سفارشات دولتی، قطع انتقال منابع و وخیم گشتن اوضاع تجاری، شاهد بوده است. با این حال کاهش اشتغال به مراتب کمتر از کاهش تولیدات بوده است. به گونه ای که پس از کاهش حدود ۱ درصد در ۱۹۹۱ و ۲ درصد در ۱۹۹۲، وضعیت اشتغال در ۱۹۹۳ بهبود یافت.

اقداماتی برای کاهش کسری عمومی (از جمله سهم قزاقستان از قروض خارجی اتحاد جماهیر شوروی سابق) به ۱/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۳ نسبت به ۸ درصد در ۱۹۹۱ اتخاذ شد.

به منظور کنترل سیاست های پولی، قزاقستان در نوامبر ۱۹۹۳ شروع به انتشار پول ملی خود به نام تنگه (Tenge) کرد. حذف کامل روبل صورت گرفته است و هم اکنون تنگه تنها پول رایج

(قانونی) این کشور می‌باشد.

در حالیکه تجارت خارجی با کشورهای مشترک‌المنافع به خاطر فروپاشی بازارهای شوروی سابق کاهش یافته است. تجارت با بقیه کشورهای جهان نشانگر استعدادهای موجود برای گسترش تجارت می‌باشد. وجود منابع عظیم معدنی و هیدروکربن، قروض خارجی اندک، نیروی کار ماهر، عزم راسخ رهبری کشور برای اصلاحات وسیع و اساسی، را بایستی از عناصر مثبت برای حصول به نتایج سودمند اقتصادی در میان‌مدت و درازمدت به حساب آورد.

اگرچه پروژه‌های سرمایه‌گذاری عظیمی برای توسعه حوزه‌های نفتی وجود دارد، اما قزاقستان هنوز منتظر دریافت وامی به مبلغ تقریبی ۸۴۰ میلیون دلار آمریکا در هر سال در طول سالهای ۹۷-۱۹۹۴ و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به میزان حدود ۶۰۰ میلیون دلار آمریکا است.

نمای کلی از روابط تجاری بین اعضای اكو

با مروری بر وضعیت روابط تجاری بین کشورهای عضو اكو می‌توان پاره‌ای از ویژگی‌های مشترک این روابط را استنتاج نمود.

اولاً، روابط تجاری بین کشورهای عضو اكو عمدتاً بین کشورهای هم‌مرز از جمله ایران با ترکیه یا ترکیه با آذربایجان می‌باشد. این موضوع یکی از مشکلات بنیادی فراروی مبادلات تجاری بین کشورهای عضو اكو یعنی مشکل حمل و نقل کالا را منعکس می‌نماید. فقدان شبکه‌های مناسب و با ظرفیت کافی مواصلاتی از جمله شبکه راه‌آهن، جاده‌ای و دریایی داخل مجموعه کشورهای اكو، کشورهای مزبور را به انتخاب سهل‌الوصول‌ترین طرف تجاری یعنی کشورهای هم‌مرز مجبور کرده است.

احیای جاده ابریشم و احداث خط آهن بندرعباس به سرخس و ترکمنستان می‌تواند با رونق بخشیدن به تجارت ترانزیت در داخل اكو، باعث رونق عمومی تجارت و اقتصاد کشورهای مزبور شود. و لذا توجه و تأکید بیشتر به امور زیربنایی در برنامه‌های اكو از جمله احداث خطوط ارتباطی، پایانه‌های مرزی می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه همکاری‌های بازرگانی کشورهای عضو اكو داشته باشد.

ثانیاً، الگوی تجارت خارجی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز عضو اکو کماکان متأثر از الگوی تجارت خارجی شوروی سابق می‌باشد. بدین صورت که اکثراً تجارت خارجی جمهوری‌های شوروی سابق با یکدیگر و بر مبنای تهاتری صورت می‌گرفته، که این سیاست موجب وابستگی شدید اغلب این جمهوری‌ها به بعضی از اقلام صادراتی جمهوری‌های دیگر حتی طی سالهای بعد از کسب استقلال شده است.

این وضعیت بعضاً موجب بروز تنش در روابط تجاری بین جمهوری‌های جدیدالاستقلال شوروی سابق نیز گردیده است. از جمله می‌توان به تهدید ترکمنستان به قطع صدور گاز به سایر جمهوری‌های شوروی سابق از جمله آذربایجان اشاره نمود. زیرا کشورهای صادرکننده باتوجه به مشکلات حاد اقتصادی مایل‌اند به جای ترتیبات قبلی معامله تهاتری، در مقابل ارز معتبر کالای خود را صادر نمایند.

لذا تا حل مشکل شیوه‌های پرداخت، مبادلات تجاری بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز عضو اکو شاهد رکود خواهد بود.

ثالثاً، همان‌گونه که اشاره گردید، همکاری‌های تجاری بین کشورهای عضو اکو در حال حاضر عمدتاً به صورت دوجانبه بوده که کشورهای مزبور برای افزایش حجم مبادلات دوجانبه تمهیداتی از جمله تصویب پروتکل‌های تعرفه‌های ترجیحی اکو را اتخاذ نموده‌اند.

به موجب این پروتکل‌ها، سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان در مورد واردات کالاهای معینی از کشورهای طرف پروتکل ۱۵ درصد در تعرفه‌های گمرکی تخفیف قائل می‌گردند.^۱ سایر کشورهای عضو اکو (به استثنای افغانستان) به علت فقدان نظام گمرکی در حال حاضر قادر به الحاق به این پروتکل‌ها و استفاده از مزایای آنها نشده‌اند.

رابعاً، به نظر می‌رسد برای تعمیم روابط تجاری دوجانبه داخل مجموعه اکو به روابط چندجانبه، ایجاد مناطق آزاد تجاری اکو ضروری بوده که پیش شرط این موضوع انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی توسط گروه کارشناسی اکو خواهد بود.

۱. ر.ک، متن پروتکل‌های مزبور مندرج در بخش اسناد کتاب.

جدول شماره ۷:

مقایسه حجم کل مبادلات جهانی کشورهای عضو اکو در سال ۱۹۹۴ با حجم مبادلات این کشورها با یکدیگر (هزار دلار)

کشور	صادرات (مبادلات جهانی)	درصد	واردات (مبادلات جهانی)	درصد	صادرات (مبادلات کشورهای اکو)	درصد	واردات اکو	درصد
ایران	۱۹/۱۶۵/۰۰۰	۳۸/۲	۱۲/۰۶۱/۰۰۰	۲۲/۶	۷۲۵/۶۷۶	۱۵	۸۱۲/۸۸۲	۴
ترکیه	۱۷/۳۸۶/۰۰۰	۳۴/۶	۲۳/۸۷۰/۰۰۰	۴۴/۷	۷۵۲/۱۰۲	۵/۰۱	۹۱۶/۸۲۲	۳/۴۱
پاکستان	۷/۳۳۲/۰۰۰	۱۴/۶	۸/۸۸۴/۰۰۰	۱۶/۷	۱۲۳/۵۶۲	۱/۰۶	۱۹۷/۳۷۹	۲/۳
تاجیکستان	۳۱۱/۰۰۰	۰/۶	۲۷۵/۰۰۰	۰/۵	۱۱۴/۰۱۷	-	۲۵۶/۱۱۰	-
قرقیزستان	۱۱۶/۰۰۰	۰/۲	۱۰۵/۰۰۰	۰/۲	۱۶۰/۱۲۴	۴۸/۶۵	۱۲۰/۵۸۶	۴۰/۴۴
ترکمنستان	۵۴۳/۰۰۰	۱/۱	۷۶۴/۰۰۰	۱/۴	-	-	-	-
ازبکستان	۱/۶۹۳/۰۰۰	۳/۴	۱/۸۱۵/۰۰۰	۳/۴	-	-	-	-
قزاقستان	۲/۷۱۲/۰۰۰	۵/۴	۴/۲۳۴/۰۰۰	۷/۹	-	-	-	-
آذربایجان	۶۳۷/۰۰۰	۱/۳	۷۷۸/۰۰۰	۱/۵	-	-	-	-
افغانستان	۲۹۶/۰۰۰	۰/۶	۶۰۲/۰۰۰	۱/۱	-	-	-	-

مأخذ: Direction of Trade Statistics (Year Book), IMF 1995